

نامه شماره ۲

عزیزم اگر خود زندگی را از کسی بگیری به تو می گویند قاتل، شاید گیر بیافتی و شاید هم نه، ممکن است گیر نیافتی اما پشیمان باشی، ممکن هم هست وقت اعدام هیچ پشیمان نباشی، عزیزم تو کسی را نکشته ای، دست کم هنوز جسدی پیدا نشده، تو مرتکب جرمی نشدی، تو فقط کار بدی کردی عزیزم.

اگر به یک میهمانی که با اصرار دعوت شده ای نروی، میزبان فکرهای مختلفی می کند اما اگر بروی و خیلی زود بیرون بیایی او فقط یک فکر می کند، در هر دو حالت او ناراحت شده است، اما در حالت دوم تو کار بدی کرده ای عزیزم.

اگر در شرکت پولی به جیب زدی و حساب سازی کردی خیلی مراقب باش عزیزم چون اختلاس جرم سنگینی است، اما اگر روزهای خوب یک عشق را برداشتی و رفتی هیچ پیگردی ندارد، نگران نباش، تو فقط کار بدی کردی عزیزم.

اگر به روی کسی که از پلیس می گریزد در را باز نکنی هیچ کس نکوهشت نمی کند، اما اگر در را باز کردی بهتر است دیگر در را برای پلیس باز نکنی عزیزم، اگر کردی هم نگران نباش، تو مرتکب جرمی نشدی، فقط کار بدی کردی.

اگر به کسی که اصلا او را نمی شناسی آسیب فیزیکی سختی بزنی آن چنان که او را از جامعه منزوی کنی مراقب باش، اسید پاشی و چاقوکشی عقوبت بسیار بدی دارد، اما اگر با کسی که به تو خیلی نزدیک است کاری کنی که تنها و گوشه گیر شود تو فقط کار بدی کردی.

جسدی پیدا نشده، اما،

کار بدی کردی عزیزم.